رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۵، شماره پیاپی ۱۲۲، مرداد ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(5), 2026

پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس تنظیم هیجانی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان متقاضی طلاق

Predicting the Desire for Divorce Based on Emotional Regulation with the Mediating Role of Resilience in Women Seeking Divorce

مبینا احمدآبادی
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
عابد مجیدی (نویسنده مسئول)
استادیار مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، همدان، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس تنظیم هیجانی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان متقاضی طلاق انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اراک در بهار سال ۱۴۰۴ بود که از بین آنها ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های میل به طلاق روزبلت و همکاران (۱۹۸۶، DTS)، تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایج (۲۰۰۶، CERQ)، و تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳، CD-RISC) جمع‌آوری گردید. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های پژوهش، مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود. نتایج نشان داد که بین تنظیم هیجان و تاب‌آوری با میل به طلاق رابطه معناداری وجود دارد (P<۰/۰۱). نتایج نشان‌دهنده تأیید نقش میانجی تاب‌آوری در ارتباط بین تنظیم هیجانی با میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق بود (P<۰/۰۱). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میل به طلاق بر اساس تنظیم هیجانی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان متقاضی طلاق به‌صورت معناداری پیش‌بینی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: *تنظیم هیجانی، تاب‌آوری، میل به طلاق، زنان متقاضی طلاق.*

Mobina Ahmadabadi
M. A. Student in Clinical Psychology, Ar.c., Islamic Azad Univrsity, Arak, Iran.
Abed Majidi *
Assistant Professor of Counseling, Faculty of Humanities, Sayyed Jamaleddin Asadabadi University, Asadabad, Hamedan, Iran.
Abed.majidi@sjau.ac.ir

Abstract

The present study aimed to predict the desire for divorce based on emotional regulation with the mediating role of resilience in women seeking divorce. The present study method was descriptive-correlational structural equation modeling. The statistical population included women seeking divorce who referred to counseling centers in Arak in the spring of 2025, from which 250 people were selected as samples using purposive sampling method. Data were collected using Rusbult et al's Divorce Tendency Scale (DTS, 1986), Garnefski & Kraaij's Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ), and Connor & Davidson's Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). The obtained data were analyzed using the Pearson correlation coefficient test and structural equation modeling. Based on the research findings, the proposed model had a good fit. The results showed that there is a significant relationship between emotion regulation and resilience with the desire for divorce (P<0.01). The results confirmed the mediating role of resilience in the relationship between emotion regulation and the desire for divorce in women seeking divorce (P<0.01). Therefore, it can be concluded that the desire for divorce is significantly predicted based on emotion regulation with the mediating role of resilience in women seeking divorce.

Keywords: *Emotional Regulation, Resilience, Desire for Divorce, Divorce Applicant, Women.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** آبان ۱۴۰۴ | **پذیرش:** آبان ۱۴۰۴ | **ویرایش نهایی:** مرداد ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

مقدمه

خانواده، به‌عنوان کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی و اجتماعی افراد دارد (خوشبخت و همکاران، ۱۴۰۳). با این حال، یکی از آسیب‌های جدی در این نهاد، طلاق است که نه‌تنها به فروپاشی ساختار خانوادگی منجر می‌شود، بلکه پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای را نیز به همراه دارد (دانگ[1] و همکاران، ۲۰۲۳، فیروزجائیان گلوگاه و همکاران، ۱۳۹۷). آمارهای رسمی نشان می‌دهد که نرخ طلاق در ایران روندی فزاینده دارد، به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۷۱,۲۴۶ طلاق ثبت شده است و از هر هزار ازدواج، حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شود (پاداش و همکاران، ۱۳۹۹).

این وضعیت نشانگر افزایش میل به طلاق در میان زوجین پیش از وقوع جدایی رسمی است. میل به طلاق، بیانگر تمایل ذهنی و عاطفی افراد به گسستن پیوند زناشویی است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳) و از متغیرهای کلیدی در تبیین و پیش‌بینی طلاق واقعی محسوب می‌شود. این پدیده دارای جنبه‌های متفاوتی است؛ نخست آنکه یک پدیده روانی بوده و بر تعادل روانی نه‌تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها اثر می‌گذارد (کاکلیان و همکاران، ۱۴۰۲). دوم، پدیده‌ای اقتصادی است، چراکه به گسست خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی می‌انجامد، و یک پدیده اجتماعی است؛ به این معنا که علل و زمینه‌های اجتماعی موجود و ساختار جامعه می‌تواند سبب از هم گسستگی خانواده شود (محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰). تحقیقات نشان داده است که در مقایسه با بزرگسالانی که طلاق نگرفته‌اند، افراد مطلقه بیشتر به خدمات مراقبت‌های اولیه نیاز دارند و معمولاً مشکلات و شکایاتی را در مورد سلامت روانی و جسمی خود گزارش می‌دهند که به هم مرتبط هستند. بر این اساس، طلاق با هزینه‌های قابل توجه بهداشتی و اجتماعی مرتبط دانسته شده است (پلون-الکسپورو[2] و همکاران، ۲۰۲۴). دراین‌بین، زنان در مقایسه با مردان، سطوح بیشتری از سردرگمی و افسردگی، تنهایی، کسالت، استرس و ناامنی را نشان می‌دهند (ساریکول[3] و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر میل به طلاق در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

از دیدگاه روان‌شناختی، یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری میل به طلاق، ناتوانی در تنظیم هیجان[4] است (تنهائی نوغابی و همکاران، ۱۴۰۰). تنظیم هیجان یک جنبه ذاتی از تمایلات واکنش عاطفی است و به استراتژی‌هایی اشاره دارد که برای کاهش، افزایش یا حفظ تجربیات هیجانی برای مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا استفاده می‌شود (گارنر و کلیمان[5]، ۲۰۲۵). همچنین تنظیم هیجان را می‌توان به‌عنوان فرایندهای تعریف کرد که مسئول نظارت، ارزیابی و اصلاح پاسخ‌های هیجانی با شروع، مهار یا تعدیل آنها هستند (پوتوچنی[6] و همکاران، ۲۰۲۲). مهارت‌های هیجانی می‌توانند به شکل پایدار در روابط زوجین و رضایت زناشویی آنان مؤثر و می‌توانند پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی طی زمان شوند (مهدی نیا و همکاران، ۱۴۰۴). عینی و همکاران (۱۴۰۲) به این نتیجه رسیدند که نظیم هیجان بر طلاق هیجانی زوجین اثر مستقیم دارند. تنهائی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند بین انعطاف‌پذیری شناختی و تنظیم هیجانی با گرایش به طلاق منفی است. جلالوند و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان دادند تنظیم هیجانی بر گرایش به طلاق در زنان متاهل اثر مستقیم دارد. ال سبایی[7] و همکاران (۲۰۲۵) بیان کردند که طلاق عاطفی زنان و مشکلات تنظیم هیجان با یکدیگر همبستگی مثبت دارند.

با این حال، شواهد نشان می‌دهد که رابطه میان تنظیم هیجان و میل به طلاق، رابطه‌ای مستقیم و ساده نیست، بلکه می‌تواند از طریق سازه‌های روان‌شناختی دیگری به‌عنوان میانجی تبیین شود.. یکی از این سازه‌های کلیدی، تاب‌آوری[8] است (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). تاب‌آوری به توانایی فرد برای بازگشت به تعادل روانی پس از تجارب فشارزا اشاره دارد (سوریجاه[9] و همکاران، ۲۰۲۳). افراد تاب‌آور، هیجان‌های منفی را سریع‌تر بازسازی کرده، از تجربه‌های منفی معنا استخراج می‌کنند و در نتیجه احتمال کمتری دارد که در مواجهه با تعارض‌های زناشویی به سمت طلاق تمایل پیدا کنند (والر[10]، ۲۰۲۱، حسنی و همکاران، ۱۴۰۰). قربانی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش

1. Dong
2. Pellón-Elexpuru
3. Sarikol
4. Emotional Regulation
5. Garner & Kleiman
6. Potoczny
7. El Sebaie
8. Resilience
9. Surijah
10. Waller

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

خود نشان دادند که تاب‌آوری در رابطهٔ بین سلامت اجتماعی و نگرش به طلاق زوجین نقش میانجی دارد. مصطفی و همکاران (۱۴۰۰) به این نتیجه رسیدند که تاب‌آوری در ارتباط بین تمام مؤلفه‌های تمامیت‌خواهی زوجی با تمام مؤلفه‌های طلاق عاطفی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. همچنین صالحی و همکاران (۱۴۰۳) به این نتیجه رسیدند که بین تاب‌آوری در زنان متأهل و طلاق عاطفی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و با افزایش میانگین تاب‌آوری، میانگین طلاق عاطفی کاهش می‌یابد. علاقبند و همکاران (۱۳۹۹) نیز در مطالعه خود بیان کردند که می‌توان گرایش به طلاق را بر اساس تاب آوری پیش بینی کرد.

از منظر نظری، تاب‌آوری می‌تواند به‌عنوان سازوکار میانجی میان تنظیم هیجان و میل به طلاق عمل کند. به این معنا که افراد دارای مهارت‌های تنظیم هیجان مؤثر، معمولاً سطح بالاتری از تاب‌آوری را تجربه می‌کنند، زیرا توانایی در کنترل و پردازش هیجانات منفی، زمینه را برای بازسازی روانی و تطابق مؤثر با استرس‌های زناشویی فراهم می‌کند (دن هارتیگ و هیل[1]، ۲۰۲۲). درنتیجه، افزایش تاب‌آوری می‌تواند اثر هیجانات منفی ناشی از تعارضات زناشویی را بر میل به طلاق کاهش دهد. از سوی دیگر، پژوهش‌های اخیر در حوزه روابط زوجین نشان داده‌اند که مدل‌های تبیینی با نقش میانجی تاب‌آوری، قدرت پیش‌بینی بالاتری نسبت به مدل‌های مستقیم دارند (سیستو[2] و همکاران، ۲۰۱۹).

درمجموع، افزایش آمار طلاق در سال‌های اخیر به‌ویژه در میان زنان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی جامعه محسوب می‌شود و بررسی عوامل مؤثر بر میل به طلاق اهمیتی دوچندان یافته است. تنظیم هیجانی، به‌عنوان توانایی فرد در شناسایی و کنترل هیجان‌ها، نقش اساسی در حفظ ثبات زناشویی دارد و نقص در آن می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق باشد. از سوی دیگر، تاب‌آوری به‌عنوان توانایی بازگشت به تعادل پس از فشارهای روانی، عاملی مهم در مقابله با ناکامی‌ها و بحران‌های زناشویی است. بررسی نقش میانجی تاب‌آوری میان تنظیم هیجانی و میل به طلاق، می‌تواند درک عمیق‌تری از سازوکارهای روان‌شناختی مؤثر در فروپاشی رابطه زناشویی ارائه دهد. انجام چنین پژوهشی به شناسایی مسیرهای پیشگیرانه و طراحی مداخلات روان‌شناختی برای افزایش تاب‌آوری و بهبود تنظیم هیجان در زنان متقاضی طلاق کمک می‌کند. این نتایج می‌تواند راهنمای مشاوران خانواده، روان‌درمانگران و سیاست‌گذاران اجتماعی برای کاهش نرخ طلاق و ارتقای سلامت روانی خانواده‌ها باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس تنظیم هیجانی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان متقاضی طلاق انجام پذیرفت.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در بهار ۱۴۰۴ در شهر اراک بود. حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط برای مدل‌یابی معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر می‌باشد (کلاین[3]، ۲۰۱۱). با محاسبه بیش‌برآورد به دلیل پیش‌بینی ریزش شرکت‌کنندگان، نهایتاً ۲۵۰ نفر با استفاده از روش هدفمند انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل: جنسیت زن، زنان باید در مرحله‌ای از فرآیند قانونی طلاق باشند یا در شُرف اقدام برای آن باشند، حداقل یک سال زندگی مشترک، رضایت آگاهانه و ملاک‌های خروج شامل مخدوش بودن پرسشنامه‌ها و عدم تمایل شرکت‌کننده به ادامه‌ی شرکت در پژوهش بود. اجرای پژوهش پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح و هماهنگی با یکی از مراکز مشاوره شهر اراک در بهار ۱۴۰۴ انجام شد. ابتدا پژوهشگر با حضور در مراکز مشاوره و توضیح هدف کلی پژوهش، از زنان متقاضی طلاق که واجد ملاک‌های ورود بودند دعوت به همکاری کرد. پس از جلب رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری و در محیطی آرام و امن در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. پژوهشگر پیش از اجرای پرسشنامه‌ها، دستورالعمل مربوط به پاسخ‌دهی را به‌صورت شفاهی توضیح داد و تأکید کرد که پاسخ‌ها بدون قضاوت و صرفاً برای اهداف علمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. زمان لازم برای تکمیل ابزارها حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود و در طول فرایند، پژوهشگر در محل حضور داشت تا در صورت بروز ابهام، توضیحات لازم را ارائه دهد. داده‌ها پس از جمع‌آوری، بررسی و کدگذاری شدند و پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش از تحلیل نهایی حذف گردیدند. در تمام مراحل انجام پژوهش، ملاحظات اخلاقی به‌دقت رعایت شد. شرکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه بود و هیچ‌گونه اجبار یا پاداشی برای مشارکت وجود نداشت. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی آنان محرمانه باقی می‌ماند و نتایج صرفاً به‌صورت کلی و گروهی گزارش

1. Den Hartigh & Hill
2. Sisto
3. Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

خواهد شد. همچنین، برای حفظ حقوق روانی مشارکت‌کنندگان، در صورت بروز ناراحتی هیجانی هنگام پاسخ‌گویی، فرد می‌توانست در هر مرحله از ادامه همکاری انصراف دهد. رعایت اصول اخلاق در پژوهش مطابق با دستورالعمل‌های انجمن روان‌شناسی ایران صورت گرفت. درنهایت، داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس میل به طلاق[1] (DTS): این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط روزلت[2] و همکاران طراحی شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی بوده که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس یک ابزار ۲۸ گویه‌ای برای ارزیابی زوجین مستعد طلاق است، که دارای ۴ بعد بوده و هر بعد ۷ سؤال را دربر می‌گیرد. ۷ سؤال برای بعد خارج شدن؛ ۷ سؤال برای بعد ابراز؛ ۷ سؤال برای بعد وفاداری؛ و ۷ سؤال برای بعد مسامحه می‌باشد. شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای (۱= هرگز تا ۷= همیشه) می‌باشد. پایایی پرسشنامه در پژوهش روزبولت و همکاران (۱۹۸۶) به روش آلفای کرونباخ برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابراز (۰/۷۶)، بعد وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) به دست آمد. همچنین روایی همگرا و تمیزی پرسشنامه از طریق بررسی همبستگی بین نمرات حاصل از این پرسشنامه با درجه‌بندی دومقوله‌ای و چندمقوله‌ای با فاصله زمانی بررسی شده است. بر اساس شواهد ارائه‌شده، بین نمرات حاصل از پرسشنامه با درجه‌بندی با فاصله زمانی در حوزه میل به طلاق بین ۰/۱۸- تا ۰/۲۵+ در نوسان گزارش شده است. در پژوهش داودی و همکاران (۱۳۹۴) روایی محتوایی پرسشنامه مذکور توسط پنج نفر از متخصصین روانشناسی و مشاوره بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ گزارش شد. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها نیز برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) (۰/۸۹)، بعد ابراز (۰/۹۰)، بعد وفاداری (۰/۸۶) و بعد مسامحه (۰/۷۲) به دست آمد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای مؤلفه تمایل به طلاق ۰/۸۰، برای مؤلفه تمایل به مسامحه ۰/۸۸، و مقیاس کل ۰/۹۲ محاسبه شد.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان[3] (GERQ): این پرسشنامه توسط گارنفسکی و همکاران در هلند جهت شناسایی تنظیم شناختی هیجان پس از تجربه کردنِ وقایع یا موقعیت‌های منفی در سال ۲۰۰۱ طراحی شد (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱)، و فرم کوتاه آن در سال ۲۰۰۶ ویرایش گردید (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶). در مطالعه حاضر، از فرم کوتاه استفاده گردید که دارای ۱۸ عبارت با دو مولفه اصلی تنظیم هیجان مثبت (پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت) و تنظیم هیجان منفی (ملامت خویش، نشخوارگری، دیدگاه‌گیری، فاجعه‌سازی، و ملامت دیگران) می‌باشد. پاسخ‌ها در یک پیوستار ۵ درجه‌ای لیکرت (همیشه ۵، اغلب اوقات ۴، معمولا ۳، گاهی ۲، و هرگز ۱) می‌باشد. نمره تنظیم هیجان مثبت در دامنه‌ای بین ۱۰ تا ۵۰ که حد پایین ۱۰، حد متوسط ۳۰ و حد بالای ۵۰ قرار دارد. همچنین نمره تنظیم هیجان منفی دارای دامنه ۸ تا ۴۰ با حد پایین ۸، حد متوسط ۲۴ و حد بالای ۴۰ می‌باشد. برای تنظیم هیجان مثبت نمره بالای ۳۰، تنظیم هیجان بالای فرد را نشان می‌دهد و بالعکس، برای تنظیم هیجان منفی نمره بالای ۲۴، بیانگر پایین بودن تنظیم هیجان فرد می‌باشد (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶). در مطالعه گارنفسکی و کرایج(۲۰۰۶)، روایی ملاک به روش روایی همزمان این پرسشنامه در ۵۴۷ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسط هلند با بررسی همبستگی آن با مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس با ضریب ۰/۴۱ تأیید شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه فوق برای مؤلفه‌های تنظیم هیجان مثبت و تنظیم هیجان منفی به‌ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۷ گزارش شد. در ایران در پژوهش حسنی و همکاران(۱۳۹۸) روایی ملاکی مؤلفه‌های پرسشنامه تنظیم هیجان مثبت و منفی با سیاهه افسردگی بک، به ترتیب ۳۰ /۰- و ۰/۳۴ گزارش شده که نشان‌دهنده مطلوب بودن روایی ملاکی است. در پژوهش سعیدا و همکاران (۱۴۰۱) پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای تنظیم هیجان مثبت ۰/۷۴ و برای تنظیم هیجان منفی ۰/۵۴ بدست آمدکه نشان از همسانی درونی مناسب و قابل قبول پرسشنامه است. میزان پایایی نیز در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای تنظیم هیجان مثبت ۰/۷۷ و برای تنظیم هیجان منفی ۰/۸۱ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری[4] (CD-RISC): این پرسشنامه توسط کانر و دیویدسون[5] در سال ۲۰۰۳ تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال است که پنج بعد تصور از شایستگی فردی، اعتماد به غرایز فردی تحمل عاطفه منفی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل و

1. Divorce Tendency Scale
2. Rusbult
3. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire
4. Connor-Davidson Resilience Scale
5. Connor & Davidson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

تأثیرات معنوی را می‌سنجد، و در یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای بین صفر (کاملاً نادرست) تا چهار (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. نمره کلی این آزمون بین ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد. نمرات بالاتر بیانگر تاب‌آوری بیشتر آزمودنی است. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در یک فاصله چهارهفته‌ای ۰/۸۷ بوده است. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) شاخص کلی روایی محتوای را ۰/۸۳ و نسبت روایی محتوایی آن را ۰/۸۱ به دست آوردند. نادری و همکاران (۱۳۸۸) همبستگی این مقیاس را با مقیاس سرسختی روان‌شناسی اهواز ۰/۶۴ به دست آورده است که نشان می‌دهد این مقیاس از روایی نسبتاً بالایی برخوردار است. همچنین در پژوهش ویسمرادی و همکاران (۱۴۰۲) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آمد. میزان پایایی در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته ها

در بخش جمعیت‌شناختی میانگین و انحراف معیار سنی شرکت‌کنندگان به ترتیب ۳۳/۷۴ و ۲/۹۳ سال بود. همچنین میانگین و انحراف معیار مدت ازدواج نیز ۶۴/ ۹ و ۱/۴۲ سال بود. ۱۳۶ نفر (۳۳/۹ درصد) بدون فرزند، ۱۱۴ نفر (۲۸/۴ درصد) دارای ۱ فرزند، ۱۳۳ نفر (۳۳/۲ درصد) دارای ۲ فرزند، ۱۶ نفر (۴ درصد) دارای ۳ فرزند و ۲ نفر (۰/۵ درصد) دارای ۵ فرزند به بالا بودند.

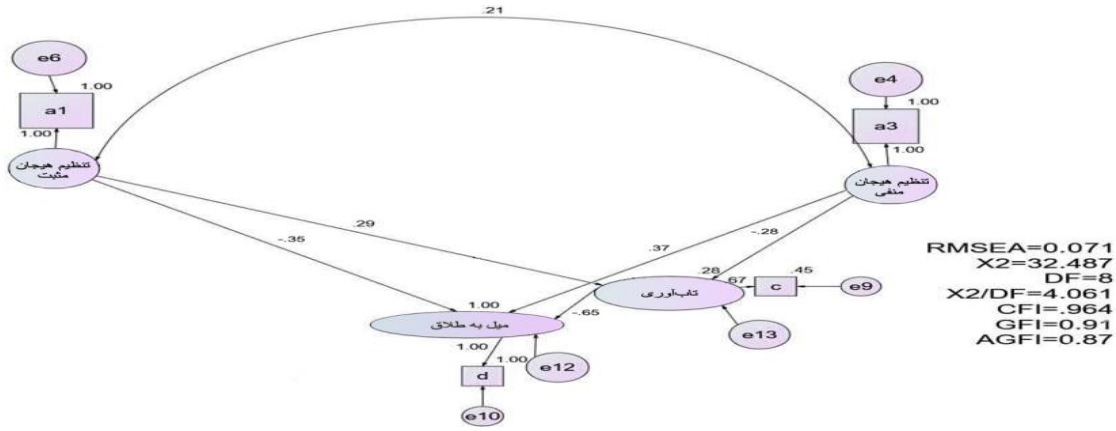
جدول ۱. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. پذیرش	–										
۲. تمرکز مجدد مثبت	۰/۴۴**	–									
۳. تمرکز مجدد بر برنامه	۰/۳۹**	۰/۳۱**	–								
۴. ارزیابی مجدد مثبت	۰/۴۱**	۰/۲۹**	۰/۳۰**	–							
۵. دیدگاه‌گیری	۰/۴۱**	۰/۴۴**	۰/۳۳**	۰/۵۱**	–						
۶. ملامت خویش	-۰/۱۴*	-۰/۰۵	-۰/۰۸	-۰/۰۹	-۰/۰۸	–					
۷. ملامت دیگران	-۰/۲۵**	-۰/۰۷	-۰/۱۱	-۰/۰۸	-۰/۱۰	-۰/۱۳	–				
۸. نشخوارگری	-۰/۲۲**	-۰/۱۸*	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۱	–			
۹. فاجعه‌سازی	-۰/۲۰**	-۰/۰۷	-۰/۱۱	-۰/۰۹	-۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۸	–		
۱۰. تاب‌آوری	.۳۵**	۰/۴۳**	۰/۴۱**	۰/۲۳**	۰/۲۸**	۰/۳۴**	۰/۲۶**	۰/۳۴**	۰/۲۹**	–	
۱۱. میل به طلاق	-۰/۲۸۰**	-۰/۲۵**	-۰/۳۴**	-۰/۴۱**	۰/۲۵**	۰/۲۳**	۰/۳۸**	۰/۳۴**	۰/۲۶**	۰/۳۷**	-
میانگین	۶/۷۴	۷/۸۴	۸/۰۱	۷/۸۹	۷/۴۴	۶/۳۵	۵/۲۵	۶/۸۲	۱۱/۷۸	۵۲/۹۷	۴۹/۳۹
انحراف معیار	۳/۷۹	۲/۵۰	۲/۱۰	۲/۴۴	۲/۹۵	۳/۶۷	۳/۵۳	۳/۵۶	۴/۰۳	۷/۱۱	۱۲/۴۴
کجی	-۰/۵۶	-۰/۸۸	۱/۱۹	۰/۹۳	-۰/۹۳	۰۱/۷۶	-۰/۹۱	-۱/۲۴	۱/۴۷	۰/۳۱	-۱/۰۴
کشیدگی	۰/۷۴	-۰/۷۶	-۰/۹۴	-۰/۵۷	۰/۸۷	-۰/۷۳	۰/۱۱	۰/۹۲	-۰/۶۳	-۱/۶۴	۰/۸۳

همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، ضریب همبستگی بین ابعاد تنظیم هیجان مثبت (پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه، ارزیابی مجدد و دیدگاه‌گیری) با میل به طلاق در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ منفی می‌باشد. و ضریب همبستگی بین ابعاد تنظیم هیجان منفی (ملامت خویش، ملامت دیگران، نشخوارگری و فاجعه‌سازی) با میل به طلاق در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ مثبت می‌باشد. ضریب همبستگی بین تاب‌آوری با میل به طلاق در سطح معنی داری ۰/۰۱ به‌صورت منفی می‌باشد. مطابق جدول ۱ شاخص کجی و کشیدگی هیچ‌یک از متغیرها خارج از بازه (۲، ۲-) نیست، بنابراین می‌توان آنها را نرمال یا تقریب نرمال در نظر گرفت. همچنین بین کلیه‌ی متغیرها به غیر از بازداری رفتاری با میل به طلاق رابطه منفی و معناداری در سطح ۰/۰۱ گزارش شد. قبل از انجام تحلیل مسیر، نرمال بودن متغیر ملاک (میل به طلاق)، استقلال خطاها و هم خطی متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنف با (آماره ۰/۲۹ و p>۰/۰۵) نشان از نرمال

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

بودن متغیر میل به طلاق است. همچنین میزان دوربین واتسون برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی میل به طلاق (۱/۵۹)، حاکی از استقلال خطاها است. از طرفی در پژوهش حاضر، عامل تورم واریانس در تمامی متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بود و عدم هم‌خطی تأیید شد. داده‌های گمشده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و قسمت آنالیز (داده‌های گمشده) شناسایی و اصلاح گردیدند. همچنین از نمودار جعبه‌ای برای شناسایی داده‌های پرت برای مقادیر تک‌متغیره و از شاخص ماهالاتوبیس برای مقادیر چندمتغیره استفاده شد. به‌منظور آزمون مدل موردنظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاح‌شده پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس تنظیم هیجانی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان متقاضی طلاق

در شکل ۱ مدل اصلاح‌شده پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیرمعنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند (p>۰/۰۰۱) اصلاح و حذف شدند. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم معنادار بین متغیرهای پژوهش با میل به طلاق در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	S.E.	C.R.	سطح معناداری
تنظیم هیجان منفی	میل به طلاق	۰/۳۷	۰/۰۷	۵/۲۸	۰/۱۲۳	۳/۷۳۴	۰/۰۰۱
تنظیم هیجان مثبت	میل به طلاق	-۰/۳۵	۰/۰۵	-۵/۰۹	۰/۱۲۰	-۵/۴۸۶	۰/۰۰۱
تاب‌آوری	میل به طلاق	-۰/۶۵	۰/۱۵	-۹/۲۷	۰/۱۲۱	-۵/۴۶۲	۰/۰۰۱
تنظیم هیجان منفی	تاب‌آوری	-۰/۲۸	۰/۲۷	-۴/۴۳	۰/۱۱۶	۵/۳۹۷	۰/۰۰۱
تنظیم هیجان مثبت	تاب‌آوری	۰/۲۹	۰/۳۱	۵/۰۷	۰/۱۰۹	۴/۷۴۲	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهایی مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیرمعنادار از مدل حذف شدند. با توجه به یافته‌های جدول، ضریب مسیر بین تنظیم هیجان منفی با میل به طلاق مثبت و معنادار و تاب‌آوری و تنظیم هیجان مثبت با میل به طلاق، منفی و معنادار است (p<۰/۰۱).

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

متغیر پیش‌بین	میانجی	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	S.E.	سطح معناداری
تنظیم هیجان مثبت	تاب‌آوری	میل به طلاق	-۰/۷۳	۰/۰۳	-۱۹/۶۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱
تنظیم هیجان منفی	تاب‌آوری	میل به طلاق	-۰/۴۸	۰/۰۴	۱۰/۲۴	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

مطابق جدول ۳، تمام متغیرهایی که مسیرهای غیرمستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند. همچنین یافته‌ها نشان داد هر دو ضریب غیرمستقیم معنی‌دار است. به‌عبارت‌دیگر تنظیم هیجان مثبت و تنظیم هیجان منفی با تأثیر بر تاب‌آوری به‌طور غیرمستقیم بر میل به طلاق تأثیر گذاشتند (p<۰/۰۱).

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اصلاح‌شده

شاخص	X^2	DF	X^2/d	SRMR	RMSEA	CFI	NFI	IFI	AGFI	GFI	TLI	P
مقادیر مدل اصلاح‌شده	۶۴۱/۶۳	۱۵۸	۴/۰۶۱	۰/۰۷	۰/۰۷۱	۰/۹۶۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۶۷۲
حد مجاز	-	-	کمتر از ۵	کمتر از ۰/۰۸	کمتر از ۰/۰۸	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از۰/۹	بالاتر از ۰/۰۵

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است. مقدار RMSEA کمتر از ۰/۰۸ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب و پذیرفتنی است. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۱/۸۰۸) بین یک و سه است و میزان شاخص‌های GFI، CFI، IFI و NFI نیز بزرگ‌تر از ۰/۹۰ برآورد شده و در محدوده پذیرفتنی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، مدل مذکور مبنای تحلیل‌های بعدی قرار گرفت. درنتیجه نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح‌شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۲ تنظیم هیجان مثبت به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تاب‌آوری توانست میل به طلاق را پیش‌بینی کند. همچنین تنظیم هیجان منفی هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق تاب‌آوری توانست میل به طلاق را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس تنظیم هیجانی با نقش میانجی تاب‌آوری در زنان متقاضی طلاق شهر اراک انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد تنظیم هیجانی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم داشت. این یافته با نتایج پژوهش عینی و همکاران (۱۴۰۲)، تنهائی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰)، جلالوند و همکاران (۱۴۰۰) و ال سبایی و همکاران (۲۰۲۵) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت توانایی فرد در شناخت، درک، پذیرش و مدیریت هیجان‌ها، نقش اساسی در حفظ یا گسست پیوند زناشویی دارد. افرادی که در تنظیم هیجان ناتوان‌اند، در برابر تنش‌ها و تعارض‌های زناشویی واکنش‌های هیجانی شدید، رفتارهای تکانشی و الگوهای ارتباطی ناکارآمد نشان می‌دهند که درنهایت میل به جدایی را افزایش می‌دهد (گراس[1]، ۲۰۱۵). ضعف در مهارت‌های تنظیم هیجان، موجب کاهش تاب‌آوری روانی، افزایش نشخوار ذهنی و ناتوانی در حل تعارضات زناشویی به شیوه‌ای سازنده می‌شود (آلدائو[2] و همکاران، ۲۰۱۰). در مقابل، زنانی که از راهبردهای سازگارانه‌تری مانند بازسازی شناختی یا پذیرش هیجان‌ها بهره می‌برند، توان بیشتری برای کنترل خشم، کاهش اضطراب و بازسازی روابط دارند (کارگر و همکاران، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که تنظیم هیجانی ناکارآمد، با کاهش رضایت زناشویی، افزایش احساس بی‌قدرتی و فرسودگی هیجانی، میل به طلاق را پیش‌بینی می‌کند (ریک و همکاران، ۲۰۱۷). ازاین‌رو، تنظیم هیجانی به‌عنوان یک سازه کلیدی در سلامت هیجانی و ثبات روابط زناشویی، می‌تواند هدف مداخلات روان‌شناختی برای کاهش گرایش به طلاق در زنان متقاضی جدایی قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان داد تاب‌آوری بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم داشت. این یافته‌ها با نتایج قربانی و همکاران (۱۴۰۳)، مصطفی و همکاران (۱۴۰۰)، صالحی و همکاران (۱۴۰۳) و علاقبند و همکاران (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت تاب‌آوری به‌عنوان توانایی بازگشت به تعادل روانی پس از تجربه فشارها و ناکامی‌های زندگی، نقش مهمی در پایداری روابط زناشویی ایفا می‌کند. زنان دارای سطح بالای تاب‌آوری معمولاً در مواجهه با تعارض‌ها و ناکامی‌های زناشویی، رویکردی سازنده‌تر و انعطاف‌پذیرتر دارند، درحالی‌که افراد با تاب‌آوری پایین، در برابر فشارهای روانی، زودتر دچار درماندگی، ناامیدی و تمایل به جدایی می‌شوند

1. Gross
2. Aldao

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

(ماستن[1] و همکاران، ۲۰۲۱). تاب‌آوری با تقویت مهارت‌های مقابله‌ای، امید به تغییر و بازسازی هیجانی، مانع از تسلیم شدن در برابر استرس‌های زناشویی می‌گردد. پژوهش‌های جدید نیز نشان داده‌اند که تاب‌آوری می‌تواند نقش میانجی میان استرس‌های زناشویی و میل به طلاق ایفا کند و از تبدیل تعارض‌ها به تمایل به جدایی پیشگیری نماید (مقدس علی و همکاران، ۱۴۰۰). افزون بر این، تاب‌آوری بالا باعث افزایش احساس کنترل، اعتمادبه‌نفس و استفاده از راهبردهای حل مسئله می‌شود که به تداوم رابطه کمک می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تاب‌آوری نه‌تنها یک ویژگی فردی محافظتی است بلکه عاملی کلیدی در حفظ ثبات و کیفیت روابط زناشویی به شمار می‌رود.

یافته‌های نهایی پژوهش نشان داد رضایت زناشویی با میانجی‌گری تاب‌آوری بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر غیرمستقیم داشت. این یافته‌ها با یافته‌های عینی و همکاران (۱۴۰۲)، تنهائی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰)، جلالوند و همکاران (۱۴۰۰) و ال سبایی و همکاران (۲۰۲۵)، قربانی و همکاران (۱۴۰۳)، مصطفی و همکاران (۱۴۰۰)، صالحی و همکاران (۱۴۰۳) و علاقبند و همکاران (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت تنظیم هیجان مثبت از طریق راهبردهایی مانند پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت به کاهش تجربه و ابراز هیجانات منفی کمک می‌کند، در حالی که استفاده از تنظیم هیجان منفی و راهبردهایی مانند ملامت خویش و ملامت دیگران اغلب با افزایش استرس، اختلال در روابط و شدت هیجانات همراه است (گراس و جان، ۲۰۰۳). بازسازی شناختی، به عنوان یک راهبرد پیش‌واکنشی، منجر به کاهش بار هیجانی و بهبود عملکرد شناختی می‌شود، در حالی که سرکوب، غالباً فقط بیان هیجانات را کاهش داده اما تجربه آنها را تغییر نمی‌دهد و آثار نامساعدی بر سلامت روان دارد (گراس، ۲۰۱۵). این سبک‌های تنظیم هیجان تسهیل کننده‌ی رشد تاب‌آوری هستند، زیرا افراد توانمند در بازسازی شناختی سریع‌تر به تعادل روانی بازمی‌گردند و نسبت به استرس‌ها انعطاف بیشتری دارند (سوثویک و چامی، ۲۰۱۲). تاب‌آوری به‌عنوان فرآیندی پویا، ظرفیت فرد را برای مواجهه با فشارهای زندگی حفظ می‌کند و به تنظیم مجدد روانی، معناسازی تجارب و پاسخ به موقع کمک می‌کند (روسو و همکاران، ۲۰۱۲). در نتیجه، فردی که تاب‌آوری بالاتری دارد، در مواجهه با تعارضات زناشویی کمتر مستعد گرایش به جدایی است؛ چرا که توانایی مدیریت هیجانات و بازسازی رابطه را دارد. به عکس، اگر تنظیم هیجان ناکارآمد باشد، تاب‌آوری تضعیف می‌شود، واکنش‌پذیری هیجانی افزایش یافته، و احتمال گرایش به طلاق بالا می‌رود. بنابراین می‌توان گفت که تنظیم هیجان مثبت باعث تقویت تاب‌آوری شده و تاب‌آوری به عنوان واسطه‌ای مهم می‌تواند مسیر میل به طلاق را کاهش دهد.

در مجموع، نتایج کلی پژوهش حاضر نشان داد که تنظیم هیجانی و تاب‌آوری نقش اساسی و مکملی در شکل‌گیری میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق دارند. تنظیم هیجانی ناکارآمد می‌تواند با تضعیف توان مقابله‌ای، افزایش تنش‌های هیجانی و کاهش رضایت زناشویی، میل به طلاق را به‌طور مستقیم افزایش دهد، درحالی‌که تاب‌آوری به‌عنوان عاملی محافظتی، این اثرات منفی را میانجی‌گری می‌کند. همچنین مشخص شد که تنظیم هیجانی از طریق تقویت تاب‌آوری به‌صورت غیرمستقیم بر کاهش میل به طلاق تأثیر دارد. به‌بیان‌دیگر، زنانی که قادرند هیجان‌های خود را به شیوه‌ای سازگارانه مدیریت کنند، در برابر فشارهای زناشویی مقاوم‌تر بوده و احتمال تصمیم به جدایی در آنان کاهش می‌یابد. این یافته‌ها بر اهمیت آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و ارتقای تاب‌آوری در مداخلات روان‌شناختی برای زنان در معرض فروپاشی رابطه زناشویی تأکید می‌کند.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر بود: استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و متمرکز بودن نمونه بر زنان متقاضی طلاق شهر اراک تعمیم نتایج به سایر شهرها را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین استفاده از ابزار خودگزارشی برای گردآوری داده‌ها احتمال سوگیری داده‌ها را افزایش می‌دهد. عواملی مانند وضعیت اقتصادی، حمایت اجتماعی، فرهنگ خانواده و ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌توانند بر رضایت زناشویی و گرایش به طلاق اثرگذار باشند که در این پژوهش به‌طور مستقیم بررسی نشده‌اند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده کنند و از روش‌های ارزیابی چندگانه نظیر مصاحبه استفاده گردد تا بتوان نتایج را با اطمینان بیشتری تعمیم داد.همچنین مطالعات آینده می‌توانند به ابعاد مختلف انعطاف روان‌شناختی و تحمل پریشانی به‌صورت تفصیلی‌تر پرداخته و اثر هر بعد را به‌صورت جداگانه بر رضایت زناشویی و گرایش به طلاق بررسی کنند. در بخش پیشنهاد کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های حل تعارض، مدیریت استرس و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به زوج‌ها می‌تواند از بروز مشکلات جدی و گرایش به طلاق جلوگیری کند و مراکز مشاوره می‌توانند برنامه‌های آموزشی و درمانی برای افزایش انعطاف روان‌شناختی و تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق ارائه دهند تا توانایی مدیریت هیجانات و تعارضات زناشویی تقویت شود.

1. Masten

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

منابع

امینی، ش.، مردانی راد، م.، خسروی بابادی، ع.، و پوشنه، ک. (۱۴۰۲). نقش پرخاشگری پنهان ارتباطی و تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۹(۴)، ۳۸-۳۰. http://ijrn.ir/article-1-807-fa.html

پاداش، ز.، یوسفی، ز.، عابدی، م.، و ترکان، ه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره زناشویی به‌روش گاتمن بر میل به طلاق و دلزدگی زناشویی زنان متأهل متمایل به طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۰، ۸-۱. https://jdisabilstud.org/article-1-1615-fa.html

تنهائی نوغابی، ف.، ثمری، ع. ا.، و نجات، ح. (۱۴۰۰). پیش بینی گرایش به طلاق براساس عوامل اجتماعی-فرهنگی، انعطاف پذیری شناختی، تنظیم هیجانی و طرح واره های ناسازگار اولیه در زوج های ایرانی ساکن ایران و مقیم کانادا. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۵)، ۴۲۱۳-۴۲۲۸. https://mjms.mums.ac.ir/article_20098.html

حسنی، ج. (۱۳۸۹). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان. *روان‌شناسی بالینی*، ۳(۷)، ۸۳-۷۳. https://jcp.semnan.ac.ir/article_2031.html

حسنی، ف.، رضازاده، م.، قنبری پناه، ا.، و خوشخبر، ع. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت بر رضایت زناشویی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجانی و تاب‌آوری در پرستاران با نشانگان دلزدگی زناشویی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۷(۳)، ۶۴-۵۲. http://ijrn.ir/article-1-596-fa.html

داودی، ز.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه مدت راه‌حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳)، ۱۳۴-۱۲۱. http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-755-fa.html

سعیدا، س.، بسطامی، م.، موتابی، ف.، و صفرپور، ف. (۱۴۰۱). پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای شفقت به خود. *رویش روان شناسی*، ۱۱(۵)، ۱۶۰-۱۴۷. https://frooyesh.ir/article-1-3608-fa.html

صالحی، ش.، کعب عمیر، ع.، خلفی، ع.، و امینی، م. (۱۴۰۳). رابطه انسجام، کارکرد و تاب‌آوری با طلاق عاطفی در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز. *دستاوردهای روانشناسی بالینی*، ۱۰(۲)، ۱۸-۲۸. https://jacp.scu.ac.ir/article_19297.html

علاقبند، ل.، شریفی، ح.، فرزاد، و.، و آقایوسفی، ع. (۱۳۹۹). پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان خواهی با میانجی‌گری تاب آوری. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۹۰)، ۷۴۳-۷۳۳. https://psychologicalscience.ir/article-1-603-fa.html

عینی، س.، فتاحی، ا.، شهنازدوست، ف.، و ویسمرادی، م. (۱۴۰۲). مدل‌یابی علی طلاق هیجانی در زوجین براساس پرخاشگری عاطفی و مقابله زوجین: نقش میانجی راهبردهای تنظیم هیجان. *روانشناسی خانواده*، ۱۰(۱)، ۳۳-۱۸. https://www.ijfpjournal.ir/article_711088.html.

فیروزجائیان گلوگاه، ع. ا.، صادقی، س.، جان محمدی لرگانی، و.، و لطفی، طاهره. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران. *مطالعات زن و خانواده*، ۶(۲)، ۱۴۳-۱۱۱. https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_2972_574.html

قربانی، ع.، خسروی، م.، و محمدی، م. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی متغیر تاب‌آوری خانواده در رابطهٔ سلامت اجتماعی با نگرش به طلاق زوجین. *پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۳(۱)، ۵۰-۲۳. https://ssoss.ui.ac.ir/article_28446.html

کارگر، س.، داودی، ا.، و مظفری، م. (۱۳۹۹). پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان بر اساس احساس شرم و گناه و دشواری در راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. *زن و جامعه*، ۱۰(۳۹)، ۱۲۶-۱۱۵. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_3669.html

کاکلیان، س.، مشایخ، م.، دوایی، م.، و خسروی بابادی، ع. ا. (۱۴۰۲). نقش تعارضات زناشویی و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۱۰(۲)، ۹۷-۸۹. https://ijrn.ir/article-1-821-fa.html

محمودزاده مرقی، ع.، میراسکندری، ف.، و فربد، م (۱۴۰۰). نقش مهارت‌های زندگی، حل تعارض و حل مسئله در پیش‌بینی گرایش به طلاق زنان و مردان متأهل. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۲)، ۲۸۹۵-۲۸۸۵. https://mjms.mums.ac.ir/article_19177.html

مصطفی، و.، فلاح زاده، ه.، آمره ئی برچلویی، ش.، و حمیدی،، ا. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین تمامیت‌خواهی زوجی و طلاق عاطفی در زنان. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۹(۱)، ۲۱۸-۱۸۵. https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_5786.html

مقدس علی، ش.، میرهاشمی، م.، و باقری، ن. (۱۴۰۰). مدل‌یابی معادلات ساختاری نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه بین الگوهای ارتباطی با رضایت زناشویی. *نشریه پژوهش پرستاری ایران*، ۱۶(۱)، ۶۳-۵۰. http://ijnr.ir/article-1-2476-fa.html

مهدی نیا، س.، واحدی، ر.، و خانمحمدی، ا. (۱۴۰۴). اثربخشی شفقت درمانی بر ابعاد کیفیت رابطه زناشویی و دشواری‌های تنظیم هیجانی زوجین دارای تعارضات زناشویی. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۳۲(۱)، ۱۱-۱. https://rjms.iums.ac.ir/article-1-8530-fa.html

نادری، ف.، حیدرئی، ع.، و مشعل پور، م. (۱۳۸۸). رابطه انعطاف پذیری کنشی، عاطفه مثبت و منفی با خودکارآمدی در زنان. *روان‌شناسی فرهنگی زن (زن و فرهنگ سابق)*، ۱(۲)، ۱۵-۴. https://jwc.ahvaz.iau.ir/article_522982.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]

واحدی، ح.، و اقبالی، ع. (۱۴۰۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس نگرش به معنویت و تاب‌آوری در همسران جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه. *فصلنامه روانشناسی نظامی*، ۱۴(۱)، ۱۹۱-۱۷۳. https://jmp.ihu.ac.ir/article_207961.html

ویسمرادی، م.، برجعلی، ا.، و رافضی، ز. (۱۴۰۲). پیش بینی تاب‌آوری در پرستاران بر اساس اضطراب کرونا و تاب آوری. *رویش روان‌شناسی*، ۱۲(۴)، ۳۲-۲۵. http://frooyesh.ir/article-1-4401-fa.html

Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical psychology review*, *30*(2), 217-237. https://doi.org/10.1016/j.cpr.2009.11.004

Connor, K.M., & Davidson, J.R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, *18*(2), 76-82. https://doi.org/10.1002/da.10113

Den Hartigh, R. J.R., & Hill, Y. (2022). Conceptualizing and measuring psychological resilience: What can we learn from physics? *New Ideas in Psychology*, *66*(6): 100934. https://doi.org/10.1016/j.newideapsych.2022.100934

Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, *299*, 682-690. https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.12.079

El Sebaie, S. R., Abd-Elaziz, M. M., & Abdel Razek, R. A. (2025). Emotional divorce and difficulties in emotion regulation among married women: Effect of sexual satisfaction and family role performance. *Assiut Scientific Nursing Journal*, *13*(50), 249-261. https://doi.org/10.21608/asnj.2025.364388.2026.

Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Cognitive Emotion Regulation Questionnaire Development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, *41*, 1045-1053.

Garner, R. C., & Kleiman, E. M. (2025). Distress Tolerance as a Moderator of Affective Forecasting Effects. *Affective science*, *6*(2), 280-284. https://doi.org/10.1007/s42761-025-00303-2

Gross, J. J. (2015). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological Inquiry*, *26*(1), 1-26. https://doi.org/10.1080/1047840X.2014.940781

Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion-regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, *85*(2), 348-362. https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.2.348

Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). The Guilford Press.

Masten, A. S., Lucke, C. M., Nelson, K. M., & Stallworthy, I. C. (2021). Resilience in Development and Psychopathology: Multisystem Perspectives. *Annual review of clinical psychology*, *17*, 521-549. https://doi.org/10.1146/annurev-clinpsy-081219-120307

Oliva, A., Serrano-García, I., Asenjo, J. E., Cedeira, E., Gil-Prados, I., Herraiz, M. A., & Coronado, P. J. (2022). Resilience and sexual health among menopausal women: a cross-sectional study. *Menopause (New York, N.Y.)*, *29*(4), 408-414. https://doi.org/10.1097/GME.0000000000001935

Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social science & medicine (1982)*, *352*, 117005. https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005

Potoczny, W., Herzog-Krzywoszanska, R., & Krzywoszanski, L. (2022). Self-Control and Emotion Regulation Mediate the Impact of Karate Training on Satisfaction With Life. *Frontiers in behavioral neuroscience*, *15*, 802564. https://doi.org/10.3389/fnbeh.2021.802564

Rick, J. L., Falconier, M. K., Wittenborn, A. K. (2017). Emotion regulation dimensions and relationship satisfaction in clinical couples. *Personal Relationships*, *24*(4), 790-803. https://doi.org/10.1111/pere.12213

Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements. *Social Psychology Quarterly*, *39*(1), 81-89. https://doi.org/10.2307/2786859

Russo, S. J., Murrough, J. W., Han, M.-H., Charney, D. S., & Nestler, E. J. (2012). Neurobiology of resilience. *Nature Neuroscience*, *15*(11), 1475-1484. https://doi.org/10.1038/nn.3235.

Sarikol, E., Erdoğan, R., & Salehian, M. H. (2024). The role of religiosity, social support, and cognitive flexibility in the subjective well-being of divorced athlete women. *Revista de Psicología del Deporte*, *33*(2), 353-365. https://psycnet.apa.org/record/2025-30760-034

Sisto, A., Vicinanza, F., Campanozzi, L. L., Ricci, G., Tartaglini, D., & Tambone, V. (2019). Towards a Transversal Definition of Psychological Resilience: A Literature Review. *Medicina (Kaunas)*, *55*(11), 745. https://doi.org/10.3390/medicina55110745

Southwick, S. M., & Charney, D. S. (2012). *Resilience: The science of mastering life's greatest challenges*. Cambridge University Press.

Surijah, E. A., Murray, K., Wraith, D., &Shochet, I. (2023). Examining trajectories of marital satisfaction to represent the resilience process among Indonesian married individuals. *Personal Relationships*, 1-20. https://doi.org/10.1111/pere.12529

Waller, M.A. (2021). Resilience in ecosystemic context: evolution of the concept. *American Journal of Orthopsychiatry*, *71*(3), 290-297. https://doi.org/10.1037/0002-9432.71.3.290

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.287]